

# احترام

## بجان

### مُسلِمَانان



مروه نوران

آیه ۶۸

نشانه‌ی بندگانی است خدا

۷

... ولا یفتنون النفس التي حرم اللعالب الحی  
بجان افرادی که خداوند خون آنها را حرم  
کرده است احترام بگذارند، و آنان را جز در  
موردی که سزاوار گشتن باشد، نمی‌کشند.

مکتب الهی موحّد است. مکتب مادّیگری  
مقام و موقعیت انسان احترام فوق‌العاده‌ای  
فائل شده است و با ملاحظه دستورهای گذر  
اسلام درباره انسان وارد شده عظمت جهان  
بینی اسلام محسوس روشن می‌گردد.  
وقتی کسی جهان بینی اسلام را در  
بازمانده‌ها با مسائلات روزافزون اینترنسی  
در ساختن سلاحهای مسموم و بمبهای  
آتشبار و میکروبی (که گاهی قدرت یک بمب  
آن با ۲۵۰۰۰ بمب اتمی هیروشیما برابری

مکتب اسلام

چنی انسان موجودی است که از جنسین  
لحظه‌ای که نطق او متعقد می‌گردد، زیر  
پوشش احترام فرار گرفته تا روزی که در میان  
گن‌ویچیده و بی‌حاکم سیرده می‌شود مع الوصف  
در این لحظه زیر پرده احترام او قطع  
می‌گردد و حتی بی‌آزرگی کسی حق ندارد  
بی‌حیث فیر او را بشکافد بلکه آن قدر باید  
مهر کند تا تمام اعضاء و استخوان‌های او  
سوسه و دیگرتری از او - جز یک مشت‌های  
بانی ساند -

### اینک متروح بطلب

ایها جنون و محترم است هرگاه کسی  
سزاوار است که بکشد به سخت ترین وجه  
بخاراکه کشود آنجا که مفرماید  
و من قتل مؤمنا متعمدا فجزائه  
هو عذاب النار علیها و غضب الله علیها ولعنه  
و اعد له عذابا عظیما (نساء آیه ۹۳).  
هرکس انسان یا ایمانی را عمدتا  
کشته کرد و او را در جوارح می‌کشد است و خدا  
بر او عذاب گرفته وی را از رحمت خود دور  
نماید و او را عذاب بزرگ برای او آماده کرده  
است.  
هرگاه فردی مسلمانی را از روی عداقت  
و اشتباه می‌کشد علاوه بر اینکه برای نگارنده گناه  
بزرگ خود باید سزای را آزاد کند. باید  
سزای نیز به بازماندگان او بپردازد. قرآن

محمد مفرماید

و من قتل مؤمنا خطأ فتحریر رقیبه  
مؤمنه و دیبه مسلمه الی اهله (نساء آیه ۹۴)  
هرگاه کسی مسلمانی را بطور خطا  
کشد، باید بنده‌های را آزاد سازد و دیبه‌های  
بهارماندگان او بپردازد.

انذاره دیبه در احادیث اسلامی تعیین  
شده است و آن همان صد شتر و یا هزار مثقال  
طلاست و این حکم در بریدن دو گوش، دو  
دست، و دیوبال نیز حکم فرماید است.

اگر کسی مسلمانی را به "عنف"  
بکشد و دیگری او را نکشد، اولی محکوم به  
حبس است و دومی کشته می‌شود.

### آبروی مسلمان

در احترام به آبروی مسلمان همین  
بس که سخن گفتن بر برابر مسلمان را  
سنان خوردن گوشت مرده برابر دانسته  
است آنجا که مفرماید

ولا یقتب بعضکم بعضا ایحب احدکم  
ان یاکل لحم اخیه میتا فکرمه  
(حجرات آیه ۱۲)

از یکدیگر گشت نمکند آیا از شما  
کسی دوست ندارد که گوشت برادر خود را  
در حالیکه مرده است بخورد؟

این آیه هر چند بصورت ظاهر یک  
تشبیه بیش نیست ولی در حقیقت چهاربوع

تشبیه را در بر دارد

۱- مسلمان و برادر مذهبی مانند برادر نسبی است .

۲- آبرو و حیثیت او مانند گوشت او است .

۳- سخن گفتن پشت سر او و بر باد دادن آبروی وی ، همان خوردن گوشت او است .

۴- از این که او در مجلس حاضر نیست و نمی تواند دفاع کند مانند مرده ای است که نمی تواند از خود دفاع نماید .

در احترام به نطفه و دیگر مراحل تکوینی وی همین بس که فقهای اسلام اسقاط نطفه و دیگر مراحل وجودی او را حنایت دانسته و برای هریک جریمه ای تعیین کرده اند . اینک بهمان جریمه ها

هرگاه کسی نطفه انسانی را از بین ببرد باید ۲۵ مثقال طلا بعنوان جریمه بپردازد و اگر زوی استخوان را گوشت بوشانیده باشد ۱۰۰ مثقال و اگر در رحم مادر دارای روح شده باشد ، دیه انسان کامل را باید بپردازد . . .

در کجای جهان مکتبی برای بشر ، یک چنین احترامی را قائل شده است ؟ نه تنها قائل نشده اند بلکه عملاً احترام انسان را از بین برده اند . به گواه این که در جنگ بین العلی اول ۱۰ میلیون انسان و در دوم ۱۰۰ میلیون انسان کشته و یسا

ناقص العضو و یا مفقود الاثر شدند و احدی از نامداران جهان بر این فاجعه بزرگانگ بریخت بلکه همه آن را نتیجه حیر زمان و مقتضای طبیعت خلقت انسان تلقی کردند . اصولاً در جهان بینی مکتب مادی نمی تواند انسان دارای احترام باشد . زیرا اولاً انسان در نظر او همین سلولها و دیگر اعضا ، بی ارزش بادست و روح بر نظر او جز اثر مادی و نتیجه فعل و انفعال شیمیائی و فیزیکی اجزا ، مادی بدن بشر نیست .

فرق است میان مکتبی که انسان را همان یک ماشین صنعت تلقی کند ، و شعاع وجود او را در همین امور مادی محصور سازد و میان مکتبی که بحوهری مجرد که مربوط بحیان دیگر و پاکتر از ماده و بیواسته ارفنا است و نابودی برای آن راه ندارد و بقدری شریف و لطف است که خدای بزرگ آن را بخود نسبت داده و معرفی نماید .

طاعات در پیش قل الروح من امر ربي ( اسراء آیه ۸۵ ) بگوروح از امور مربوط به پروردگارت هنگامی که آدم را آفریده از میان اجزا بی شمار او تنها روح او را بخود نسبت میدهد و فرشتگان چنین میگویند فاذا سویته و نفخت فيه من روحي فاعواله ساجدین ( حجر ۲۹ )

هنگامیکه آفرینش آدم به پایان رسید

بقیه در صفحه ۴

یافته حیوان میداند و چندان اخلاقی  
مان ایندو تصور نمی‌کند .

داروین معتقد است که میان انسان  
و میمون یک حلقه میثاقی فاصله نیست . گمانگر  
این حلقه نیز بدست آید تصور انسان سه  
روشنی معلوم می‌گردد .

چنین مکتبی که انسان را رازده میمون  
میداند نمی‌تواند احترام انسان را بروشنی  
درک کند .

بقیه بهاری خطرناکی که ...

امام چهارم (ع) فرمود حسد  
بیشتر و بدبختی‌ها می‌باشد [ چنانکه ] اختلاف  
هابیل و قابیل و کشته شدن هابیل بدست  
قابیل ناشی از حسد مذکور حسد بوده  
است " ۲۷

و در برخی از روایات وارد است که  
از این حسد مذکور صفت‌های زیر مشتق  
می‌گردد: علاقه غیر مادی و مطلق به زن و  
حب دنیا و ریاست طلسمی و استلا\* بطول کلام  
و برتری طلسمی و علاقه\* بیش از حد به مال  
و ثروت " ۲۸



۲۷- بحار ج ۱۷ ص ۲۰۵

۲۸- واهی ج ۳ ص ۱۵۲

نوشته شود ولی ما آن را در یک بند از کتاب  
نقل می‌کنیم که البته جوابی هم در مقابل  
آن نخواهیم داشت . ۱۱

اینگ ملاحظه می‌کنید . گروهی از  
سخت‌گیران علمیه که با یهودی‌اند  
و یامسحی . با صراحت تمام اعتراف دارند  
مجموعه‌ای که اکنون در دسترس ملت یهودی  
چروان مذمت مسیحیت است به هیچوجه  
می‌تواند آسمانی و الهامی باشد . بلکه  
سحقاً دست‌خریف و دگرگون ساز خائشان .  
در آن راه یافته است .

بازی ، نتیجه‌ی آن تحریف‌ها و  
بازوبه‌گری‌ها این شد که روشنفکران جهان  
سبحیت ، پس از توجه به نامقول و خرافی  
بودن محبوبات عهدین ، از هرچه که نام  
مذهب و دین دارد بگریزد و نسبت به آن  
دهش کجی کنید ، لذا مسیحیت در قلمرو  
خود ، حر در مسیر سافع دولتها به حرکت  
می‌آید ، و نفوذی در دل نوده‌ها پیروزه  
روشنفکران مسیحی ندارد .

۱۱- تاریخ معدن و پیل دورانت ج ۱ ص ۲۸۶

بقیه احترام بجان مسلمانان

روحی از خود در آن دمیدم در برابر آن  
حدا\* کنید .

ناما ما دیگری امروز بر اساس بحول  
ابواب نیکه کرده و چندان فاصله ای میان  
انسان و حیوان فائل نیست وی انسان را تکامل